

# مسأله‌شناسی قانون مطبوعات

## چند پیشنهاد برای اصلاح

محمد اسماعیل ریاحی

انسانها از بدو شروع حیات اجتماعی خود، آداب، رسوم و هنجارهایی را جهت تسهیل در روابط اجتماعی خویش به وجود آورده‌اند و سازمانهای اجتماعی ابتدایی نظیر قبیله، ایل، با ساختارها و نظامهای خاص خود، افراد اجتماع را ملزم - الزام درونی و اخلاقی - به رعایت آنها کرده‌اند. کارکرد این آداب و رسوم ایجاد یک فضای قابل پیش‌بینی و وارسی و بازبینی در روابط میان افراد و گروههای اجتماعی - البته در سطح محدود و قبیله‌ای - بوده است. به تدریج و همگام با تحولات اقتصادی - اجتماعی و وقوع انقلاب کشاورزی و بالاخص انقلاب صنعتی، و ایجاد تمایزها و عوامل و تفکیک و همچنین پیچیده شدن ساختار اجتماعی، لزوم ایجاد الگوهای ارتباطی و رفتاری که دارای ضمانت اجرایی و پشتوانه قانونی باشند، ضرورت یافت. بدین ترتیب، جوامع بشری به گونه‌ای تکاملی و به تدریج، آداب و رسوم گذشته را - که فاقد ضمانت اجرایی منسجم و نظام‌مند بودند - به قوانین و دستورالعملهایی تبدیل نمودند که حکومتها و دولتها ضمانت اجرای آنها را برعهده داشتند و در جوامع امروز نیز وضع بر همین منوال است. در واقع قوانین در سطوح ملی و بین‌المللی، که برای تسهیل روابط افراد، سازمانها، گروهها، اجتماعات و کشورها بر حسب نیازها و مشکلات موجود در سطوح مذکور شکل گرفته‌اند، الگوهای نظری چگونگی ارتباط متقابل افراد، گروهها، سازمانهای محلی و ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را به صورت ایده‌آل و آرمانی ترسیم می‌کنند تا از تضییع حقوق شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جلوگیری شود. با این حال قوانینی که به وسیله قانونگذاران وضع می‌شوند - هرچند که از لحاظ محتوا و انسجام درونی بدون عیب و نقص باشند - در عمل و هنگام اجرا یک رشته مشکلات و نیازهای جدید را به وجود می‌آورند. در واقع عیوب و نواقص قانون به هنگام اجرا و عمل به وسیله مجریان در سطح جامعه، آشکار

تحقیق و بررسی درباره مسائل و پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و مانند اینها می‌تواند محمل مجرایی باشد که مسؤولان و سیاستگذاران مملکت را از چند و چون اوضاع مطلع کند. به عبارت دیگر افراد و سازمانهای مجری، می‌توانند با تکیه بر دستاوردهای تحقیقاتی که انجام یافته‌اند، به ارزیابی و بازنگری دقیق و مستجبه از وضعیت موجود بپردازند و تصمیمهای منطقی و مناسب برای آینده (و ایجاد وضع مطلوب) اتخاذ نمایند. مؤسسات سنجش و بررسی انکار عمومی در برخی کشورها که دست‌اندرکار واکاوی و ارزیابی تأثیرات وسایل ارتباط جمعی و آثار عملی قوانین، دستورالعملها و تصمیمهای مقامات قانونگذاری و اجرایی هستند، در این زمینه عمل می‌کنند.

از این رو اگر بخواهیم به زنجیره چگونگی شکل‌گیری قوانین تناسب و مستجبه توجه کنیم، در می‌یابیم که برای وضع قوانین صحیح و کارآمد به انجام پژوهش و تحقیق نیاز است. این نکته دو نمودار زیر مشخص گردیده است:



نمودار زنجیره‌ای چگونگی شکل‌گیری قوانین مناسب به وسیله قانونگذاران نکاتی که از این نمودار به دست می‌آیند به شرح زیر هستند:

۱. لزوم انجام تحقیق جهت تشخیص صحیح مشکلات و نیازها؛
۲. لزوم انجام تحقیق جهت یافتن دستاوردهایی که بتوانند پایه‌های درستی جهت وضع قوانین ایجاد کنند؛
۳. لزوم انجام تحقیق جهت یافتن شرایط و زمینه‌های مساعد برای اجرای قوانین تصویب شده؛
۴. لزوم انجام تحقیق جهت ارزیابی نتایج و پیامدهای ناشی از اجرای قوانین؛
۵. لزوم انجام تحقیق جهت شناخت مشکلات و نیازهای جدید ناشی از اجرای قوانین.

\*\*\* \*\*

این تحقیق به سفارش معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام شده است.



■ ماده چهار که مقرر می‌دارد، هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند، از نقاط قوت قانون مطبوعات است.

بپردازند.

۳.۱.۱. مطبوعات می‌توانند از یک طرف از عملکرد کلیه دستگاه‌های دولتی و مقامات رسمی و قوای سه‌گانه کشور (با پرهیز از موارد استثناء) انتقاد به عمل آورند و ناراستیها را به نقد بکشند (فصل سوم، حقوق مطبوعات، ماده ۳) و هیچ مقامی هم نمی‌تواند به خاطر این انتقادات مطبوعات را تحت فشار قرار دهد (ماده ۴)، و از سوی دیگر اگر نشریه‌ای حقیقی از شخص حقیقی با حقوقی تضییع نماید شخص مزبور می‌تواند با استناد به قانون، حق تضییع شده خود را بازستاند و نشریه متخلف به مجازات برسد (فصل ششم، جرایم مطبوعات، مواد ۲۳ و ۳۰ و ۳۱). این موضوع دوسویه، انعطاف سازنده و قابلیت مناسی برای قانون مطبوعات فعلی به‌شمار می‌رود.

#### ۲.۱. نقاط ضعف قانون مطبوعات

همانگونه که گفتیم هیچ قانون بشری بدون عیب و نقص نیست و قانون فعلی مطبوعات نیز از این قاعده مستثنی نیست و حتی خود مسؤولان و دست‌اندرکاران نیز به این نکته اذعان دارند، چنانکه آقای دکتر احمد پورنجاتی معاون مطبوعاتی سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اولین نشست مدیران مسؤول مطبوعات با وزیر ارشاد اسلامی به این نکته اشاره کرد: «مطبوعات نیازمند یک نظام مطبوعاتی هستند و قانون فعلی پاسخگوی نیازهای مطبوعات کشور نیست. باید یک قانون جامع که حدود فعالیت و عنصر مطبوعاتی را تعریف کند تدوین شود.» همچنین مدیر مسؤول روزنامه کیهان در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه تهران با مدیران مسؤول مطبوعات اظهار داشت: «مطبوعات تیغ دودمی هستند که اگر خوب استفاده شود می‌تواند آثار مثبتی باقی بگذارد و اگر کسی از این اهرم مؤثر بخواهد سوءاستفاده کند می‌تواند آثار مخرب داشته باشد باید یک تضمین برای جلوگیری از آثار مخرب احتمالی داشته باشیم و این بهتر از قانون مطبوعات چیز

با رعایت موازین حقوق ملی و بین‌المللی وضع گردیده است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که اگر چه این قانون سودمند و راهگشاست - زیرا که بالاخره مبنا و خطوط کلی حرکت مطبوعات را مشخص می‌نماید - اما مانند سایر قوانین بشری، خالی از نقص و ایراد نیست.

#### ۱.۱. نقاط قوت قانون مطبوعات

محورهای اصلی‌ای را که می‌توان به عنوان نقاط قوت قانون فعلی مطبوعات در نظر گرفت آزاد بودن مطبوعات در کسب و انتشار اخبار و اطلاعات برای افزایش آگاهی عمومی است. همچنین موادی که برای جلوگیری از اهانت و افترا نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی در نظر گرفته شده‌اند - علیرغم ابهامهای فراوان - فی‌نفسه سودمند هستند و از نقاط قوت به‌شمار می‌روند. و بالاخره، توان انتقاد از عملکرد دستگاه‌های دولتی و اشخاص، امتیاز مهمی برای مطبوعات کشور محسوب می‌گردد.

نقاط قوت این قانون به‌طور خلاصه به شرح زیر هستند:

۱.۱.۱. ماده چهار، که براساس آن هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

۲.۱.۱. ماده پنج، که براساس آن کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی، که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است و هیچ مقام و نهادی نمی‌تواند این حق را محدود یا سلب کند و یا مطبوعات را به صرف درج یک خبر یا مطلب تحت فشار و مؤاخذة قرار دهد - که البته موارد استثناء نیز دارد - حق فوق این امکان را برای مطبوعات فراهم می‌کند که آزادانه در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی وارد شوند و به انعکاس رویدادهای جامعه و طرح نظرهای خود برای اصلاح و مقابله با ناسامانیها

می‌گردند. این اصل شامل تمامی قوانین می‌شود زیرا که عملاً افراد و گروه‌های مختلف در جامعه، دارای منافع گوناگون هستند و ممکن است که وضع بعضی از قوانین جدید و یا لغو بعضی از قوانین موجود، منافع آنها را به خطر اندازد. از این‌رو تخلف از قانون و کارشکنی - چه به صورت نامطلوب و غیراخلاقی، و چه به صورت پسندیده و لازم - نمود می‌یابد و عملاً موجودیت و اعتبار قوانین را دستخوش تزلزل و دگرگونی می‌کند.

\*\*\*

قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نیز از قوانینی است که موارد فوق درباره آن صدق می‌کند. به عبارت دیگر، چنانکه گفتیم، هیچکدام از قوانین بشری کامل و بدون نقص نیست و معمولاً نواقص در جریان اجرا مشخص می‌شوند و قانون مطبوعات هم نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. در این گزارش وضعیت قانون مطبوعات کشور بر مبنای دو محور زیر بررسی می‌شود:

۱. ارزیابی ابعاد مثبت و منفی "قانون مطبوعات" با ذکر موارد؛
۲. هیأت منصفه (تاریخچه تأسیس، دلایل و اهداف تشکیل، پشتوانه نظری و...).

#### ۱. ارزیابی ابعاد مثبت و منفی قانون مطبوعات

اصولاً لازمه حرکت و پویایی هر سازمان یا نهاد و راهنمای چگونگی عملکرد آن وجود مجموعه‌ای از قوانین منسجم و کارآمد به عنوان الگوی عمل است. به همین سان، نظام مطبوعاتی کشور در مقام یک سازمان اجتماعی - که عهده‌دار تنویر افکار عمومی و ترفیع سطح آگاهی جامعه از رویدادهای داخلی و خارجی و مانند آنهاست - جهت مشخص بودن چارچوبهای عمل و حرکت خود، به قانون منجم و کارآمد نیاز دارد.

در کشور ما در حال حاضر قانونی به نام "قانون مطبوعات" سناط عمل است که در اسفند ماه ۱۳۶۴ بر مبنای نظام ارزشی کشور و

دیگری نیست و قانون فعلی مطبوعات ایرادهای جزئی دارد، اگرچه در مجموع قانون خوبی است»<sup>۲</sup>.

روی هم رفته محورهای اصلی نقاط ضعف در قانون فعلی مطبوعات، بحث درباره شرایط، نحوه انتخاب و اختیارات هیأت منصفه، و نیز ابهامهایی هستند که در برخی از مواد قانون وجود دارند، به عبارت دیگر تعریف دقیقی از مفاهیم و کلمات نشده است و این امر برخوردهای شخصی و سلیقه‌ای را افزایش می‌دهد و نهایتاً به بی‌قانونی دامن می‌زند. برخی از مواردی را که می‌توان به عنوان نقاط ضعف برشمرد به شرح زیر هستند:

### ۱.۲.۱. درباب جرایم مطبوعاتی و ابهامهای موجود:

طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات عیانت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند. به این ترتیب باید انتظار داشت که تعریف جرم مطبوعاتی براساس موازین اسلامی در قانون مطبوعات انجام گیرد. البته این کار انجام شده است و فصل ششم از قانون مطبوعات مربوط به جرایم مطبوعاتی است. اما نکته قابل تأمل ابهامهایی است که در مفاهیم و مصادیق جرم و مجرم وجود دارند. در واقع از جرم مطبوعاتی و مجرم مطبوعاتی تعریف عملی نشده و این امر سبب گردیده است که هر گروه یا دسته‌ای، گروه دیگر را به بهانه انتشار فلان خبر، مصداق مفهوم مجرم بباید. به عبارت روشن‌تر، کلمات و مفاهیمی نظیر افتراء، توهین، اهانت، انتقاد و غیره دقیقاً تعریف نشده‌اند و ممکن است انتقاد سازنده یک شخص حقیقی یا حقوقی، از طرف جناح دیگر اهانت و افتراء تلقی گردد. برخی از موارد ابهام به شرح زیر هستند:

در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند، تفصیل آن را قانون معین می‌کند». قانون مطبوعات تفصیل اصل فوق را در ماده ششم از فصل چهارم انجام داده و موارد اخلاص را مشخص کرده است، اما مصداقیهای عملی این موارد اخلاص دقیقاً مشخص نیستند مثلاً در بند

■ در قانون فعلی، تعریف دقیقی از مفاهیم و کلمات نشده است و این امر برخوردهای شخصی و سلیقه‌ای را افزایش می‌دهد و نهایتاً به بی‌قانونی دامن می‌زند.

■ نقطه قابل تأمل در قانون مطبوعات، ابهامهایی است که در مفاهیم و مصادیق جرم و مجرم وجود دارد چرا که از جرم مطبوعاتی و مجرم مطبوعاتی تعریف عملی نشده است.

۳ همین ماده، تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر به‌عنوان یکی از موارد اخلاص ذکر شده است. سؤال این است که آیا در شرایط حاضر نمی‌توان آگهیهای تبلیغاتی مندرج در روزنامه‌ها و نشریات را که استفاده از انواع کالاهای مصرفی را تجویز می‌کنند نوعی اخلاص دانست؟ و یا ملاک تمیز و تشخیص و انطباق انواع انتقادهای شدید از مقامات، نهادها، ارگانه‌ها، ... با توهین، افتراء، تهمت و ... چیست؟

### ۲.۲.۱. در باب تشخیص جرایم مطبوعاتی و هیأت منصفه:

طبق ماده ۳۴ (از فصل ششم جرایم مطبوعات) در قانون مطبوعات: «رسیدگی به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود»، و از سوی دیگر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، قانون [مطبوعات] باید شرایط، نحوه انتخاب و اختیارات هیأت منصفه را مشخص کند؛ که این امر صورت نگرفته است و به علت این نقص در قانون فعلی مطبوعات، اینک به مواد ۳۰ تا ۳۸ قانون مطبوعات سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب استناد می‌شود که این مواد هم بدون عیب و نقص نیستند زیرا که باید پرسید: آیا اعضای هیأت منصفه توان قضاوت و داوری در این مورد را دارند که شخص متهم، مجرم است یا خیر؟ یعنی آیا صلاحیت پرداختن به امر قضاء را دارند؟

با توجه به این امر که ممکن است اطلاع دقیقی را از علم قضاء نداشته باشند البته ما منکر این اصل مهم نمی‌شویم که مشورت در امور بسیار پسندیده و حیاتی است و غالباً رأی چند صاحب‌نظر صائب‌تر از رأی یک فرد است - اما نکته اینجا است که آیا اعضای هیأت منصفه در دادگاه مطبوعات توان قضاوت دارند یا اینکه تنها می‌توانند نماینده افکار عمومی باشند و از

در واقع در تعریف جرایم مطبوعاتی واژه‌هایی نظیر افتراء، توهین، خلاف واقع و یا انتقاد، کلی و دارای شمول گسترده‌اند که زمینه برخوردهای سلیقه‌ای با مطبوعات را فراهم می‌آورند. به عنوان مثال نظر مدیر مسؤول هفته‌نامه گل‌آقا در این مورد مرور می‌کنیم که می‌گوید: «اخیراً یکی از روزنامه‌های صحیح تهران با اشاره به استفاده از ترانه‌های قدیمی برای بیان واقعیت موجود به زبان طنز در گل‌آقا، آن را از مصادیق تهاجم فرهنگی دانست و ضمن انتقاد به گل‌آقا به مسؤولان فرهنگی کشور هشدار داد. منتقد، شعر مورد استناد گل‌آقا را که از اشعار بسیار معروف مولاناست از آثار دوران طاغوت قلمداد کرده بود. ما به زبان طنز پاسخی دادیم. چند روز بعد یکی از روزنامه‌های عصر تهران ضمن انتقاد به گل‌آقا که چرا چنین پاسخی به آن منتقد داده است نوشت که بفرض که آن منتقد در این مورد اشتباه کرده باشد ولی در گل‌آقا مواردی اینچنین بوده است. سپس ضمن برشمردن دو سه مورد، این کار را از مصادیق ابتذال دانست. اگر

حقوق افراد جامعه در برابر برخی از قوانین خشک و غیرقابل انعطاف - که می‌توان بر آنها تبصره زد - دفاع نمایند؟ آیا این امر که رییس دادگاه باید رأی نهایی را بر مبنای آرا و نظرات هیأت منصفه صادر نماید مشکلی در امر قضاوت ایجاد نمی‌کند؟ پاسخ به این سؤالات مقتضی بحث و بررسی و تأمل بیشتر است، اما می‌توان گفت که لازم است که یکی از شرایط عضویت در هیأت منصفه، دارا بودن اطلاع کافی از امور قضایی و حقوقی باشد - البته منظور، داشتن مدارک دانشگاهی یا حوزوی قضاوت نیست - زیرا که در این صورت به اجرای دقیق‌تر و عادلانه‌تر قوانین، بیشتر می‌توان امیدوار بود. گرچه وجود هیأت منصفه در مقایسه با عدم آن فی‌نفسه از اهمیت بالا برخوردار است اما زمانی نتایج مثبت حضور این هیأت آشکارا و جدی خواهد بود که در انتخاب اعضای آن دقت و وسواس لازم از جهت کارشناسی، تعهد و انصاف اعضای منتخب به خرج داده شود و اعتقاد به باورها و ارزشهای انقلابی و دینی در اعضای هیأت نمود عمیق داشته باشد.

به‌در صورت، مشکلاتی در زمینه نحوه انتخاب (خصوصاً نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه در استانها) و شرایط و اختیارات هیأت منصفه وجود دارد که رفع آنها کمک بزرگی به احقاق حقوق شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و نیز احترام به افکار عمومی و رعایت مصالح جامعه خواهد کرد.

۳.۲.۱. براساس تبصره ۴ از ماده ۹ (فصل پنجم)، مسؤلیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و سایر امور نشریه تنها بر عهده مدیر مسؤؤل گذاشته می‌شود.

البته در اینکه مدیر مسؤؤل باید مرجع اصلی تصمیم‌گیری درباره محتوا و مطالب و اخبار مندرج در نشریه باشد جای بحث نیست، اما انداختن بار تمامی مسؤولیت انتشار مطالب بردوش مدیر مسؤؤل می‌تواند مشکل‌آفرین باشد زیرا که نظارت دقیق بر کلیه مطالب علی‌الخصوص در روزنامه به دلیل وضعیت خاص و فاصله کوتاه انتشار آن عملاً امکان‌ناپذیر است. البته رعایت این موضوع در مورد هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها آسانتر است، بنابراین بهتر است که مسؤولیت انتشار مطالب، مطابق مسؤولیت و اختیاری که مدیر مسؤؤل به دبیران سرویسها و یا سردبیر می‌دهد به همان نسبت متوجه دیگر افراد مؤثر در

تدوین مطالب نیز باشد.

۴.۲.۱. عدم پیش‌بینی ضمانت اجرا برای برخی از مواد قانون یکی دیگر از نقاط ضعف قانون فعلی مطبوعات است. به عنوان مثال در ماده ۵، کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی حق قانونی مطبوعات دانسته شده است، اما قانون درباره افراد یا سازمانهایی که برای استفاده از این حق قانونی مانع ایجاد کنند سکوت کرده است و یا هیچگونه واریسی یا مجازاتی درباره متخلفین از ماده ۴ قانون که براساس آن هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت ورزد، پیش‌بینی نشده است.

۵.۲.۱. ماده ۱۱ قانون مطبوعات رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسؤؤل را برعهده هیأت نظارت بر مطبوعات گذاشته است. در اینجا لازم است که مقررات مناسبی جهت پیشگیری از اعمال نظرات شخصی پیش‌بینی شود، به تعبیر دیگر اگر شخص متقاضی، دارای تمامی شرایط مندرج در قانون است، دیگر دلیلی برای رد صلاحیت وی وجود نداشته باشد.

۶.۲.۱. کم‌توجهی به حقوق مطبوعات به‌طور کلی و حقوق خبرنگاران به‌طور اخص (اعم از حقوق قانونی، معنوی، فکری و مادی).

۷.۲.۱. عدم تفکیک دقیق وظایف و مسؤولیت‌های صاحب‌امتیاز و مدیر مسؤؤل در هنگامی که دو نفر عهده‌دار این وظایف باشند.

۸.۲.۱. مشکلات عملی. این موارد بخشی از نقاط ضعف موجود در محتوای قانون مطبوعات فعلی هستند که باید گفت در عمل و در هنگام اجرا نیز مسائل و مشکلاتی بروز می‌کنند که مانع از کارایی قانون و نظم قانونی می‌شوند. برخی از این مشکلات عبارتند از:

الف) مشکلات موجود جهت اخذ مجوز انتشار روزنامه یا مجله از مرجع ذیصلاح (ندادن مجوز به دلایل غیرقانونی، و یا طولانی شدن فاصله بین درخواست تا زمان صدور مجوز که این امر ممکن است انگیزه‌های متقاضی را در انتشار نشریه از بین ببرد، و نیز شرایط مساعد اجتماعی جهت چاپ نشریه‌ای با محتوای خاص تغییر یابد و فضای فعالیت آن نشریه محدود گردد یا از بین برود).

ب) مشکلات عملی خبرنگاران، سردبیران،... در جمع‌آوری و انتشار اخبار و

■ کلمات و مفاهیمی چون افترا، توهین، اهانت، انتقاد و غیره دقیقاً تعریف نشده‌اند و ممکن است انتقاد سازنده یک شخص حقیقی یا حقوقی، از طرف جناح دیگر، اهانت و افترا تلقی گردد.



■ قانون فعلی به حقوق خبرنگاران (حقوق قانونی، معنوی، فکری و مادی) کم توجه کرده است.

وقایع گوناگون (به‌گونه‌ای که ممکن است بر اثر شکایات و یا اعتراض اشخاص حقیقی یا حقوقی ذی‌نفع، عملاً آزادی عمل و اختیار خبرنگاران در جمع‌آوری و گزارش خبر به مخاطره بیفتد، نظیر احضار خبرنگار کیهان در ساری به‌خاطر مخایره خیر وجود مواد سمی در نوشابه‌های کارخانه خوش‌نوش در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۷۲ و دستگیری او در مهرماه بر خلاف قانون مطبوعات).

ج) مشکل توزیع و انتشار مطبوعات در سطح کشور: طبق آمار و ارقام در سال ۱۳۶۸ در حدود ۹۰٪ از مطبوعات در تهران و تنها ۱۰٪ در سایر مناطق کشور منتشر می‌شد، این مسأله سبب دیر رسیدن مطبوعات - خصوصاً روزنامه‌ها - به مناطق دوردست کشور می‌گردد (حدائق این است که روزنامه‌ها یک روز دیرتر به‌دست خواننده می‌رسند و یا برخی از نشریات تنها در تهران توزیع می‌شوند و به شهرستانها نمی‌رسند). از سوی دیگر در کشور ما اکثر مردم تمایل به آگاه‌شدن از وقایع به‌وسیله رادیو و تلویزیون - به‌طریق شغای و گفتاری - دارند. و با توجه به این امر یعنی تسلط فرهنگ شغای بر فرهنگ نوشتاری و کتبی در کشور، دیر رسیدن مطبوعات به سایر مناطق می‌تواند در ترویج تسلط مذکور مؤثر واقع گردد که در نهایت این قضایا - به همراه برخی عوامل دیگر - سبب افت و کاهش تیراژ برخی روزنامه‌ها و مجلات می‌گردند.

۲. هیأت منصفه

طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی به

جرایم مطبوعاتی و سیاسی باید به وسیله هیأت منصفه و به صورت علنی صورت گیرد. همچنین ماده ۳۴ قانون مطبوعات اذعان دارد که به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه صالح با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود. تدوین موارد فوق در قانون اساسی و قانون مطبوعات، نشانگر توجه قانونگذاران به هیأت منصفه و اهمیت و نقش این نهاد حقوقی در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی است، و این نقش و اهمیت تا بدانجا است که اکثر اشکالات و ایرادهای نقدکنندگان قانون فعلی مطبوعات به سوی نقد طریقه انتخاب اعضای هیأت و شرایط و اختیارات آنان متمرکز است تا جایی که حتی برخی از منتقدین وجود چنین مؤسسه حقوقی را لازم و ضروری نمی‌دانند. نظر به اهمیت هیأت منصفه در این قسمت به بررسی تاریخیچه تشکیل، دلایل و اهداف تشکیل و پشتوانه نظری آن می‌پردازیم.

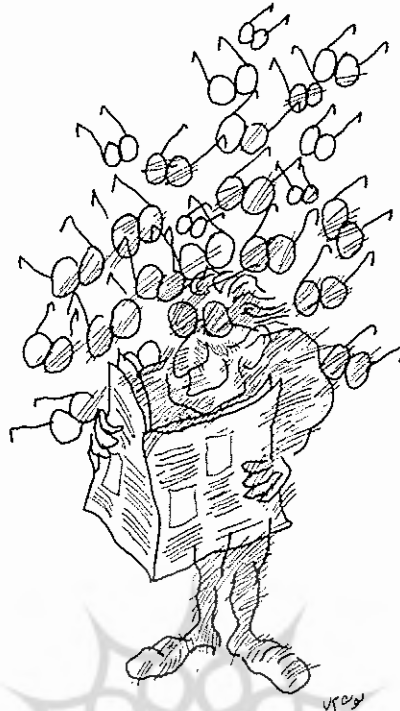
## ۱.۲. تاریخیچه تشکیل هیأت منصفه

اصولاً تفکیک جرایم سیاسی و مطبوعاتی از جرایم عادی، در نظامهای حقوقی غرب و در جریان تکوین اصول دموکراسی و آزادی‌گرایی مبتنی بر حسن ظن جامعه نسبت به فعالیت‌های سیاسی و خدمات مطبوعاتی بوده است. نظر به اهمیت فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی و تأثیر ویژه جرایم سیاسی و مطبوعاتی در برهم زدن نظم موجود در جامعه، از اواخر قرن هجدهم ابتدا در انگلستان و سپس در سایر کشورهای غربی، حضور افرادی به عنوان هیأت منصفه در دادگاهها، جهت رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی ضروری شناخته شد. در ایران سابقه تأسیس هیأت منصفه به مبارزات دوره مشروطیت می‌رسد که برآثر آنها در اصل ۷۹ متمم قانون اساسی قید شده: «در مورد تقصیرات سیاسی و مطبوعات، هیأت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود». همچنین ماده ۳۱ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۴ مقرر می‌داشت که: «به جرایم مطبوعاتی، همچنین به جرایم سیاسی غیرمطبوعاتی در دادگاه جنایی دادگستری با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود». پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان حضور هیأت منصفه مندرج در قانون اساسی را پذیرفت و عدم مغایرت آن را با شرع و عقل تأیید کرد. همچنین در ماده ۳۸ قانون مطبوعات مصوب اسفند ۱۳۵۸ شورای انقلاب، ضرورت

## با قانون فعلی نمی‌توان مشخص نمود که ملاک تمیز و تشخیص و انطباق انواع انتقادهای شدید از مقامات، نهادها، ارگانها و... با توهین، افترا، تهمت و... چیست.

مطبوعات به دلیل نقش و تأثیر حساس و خطیری که در تنویر افکار و اذهان افراد جامعه دارند، عملاً باید از آزادی عمل مشروع و قانونی برخوردار باشند، که این آزادی عمل طبعاً در برخی از موارد با منافع برخی از افراد و گروهها اصطکاک پیدا می‌کند. در این موارد تشخیص درستی یا نادرستی عمل یک نشریه و اینکه عمل انجام شده جرم است یا خیر؟ از توان یک نفر خارج است. در مورد اینکه چرا تشخیص جرم مطبوعاتی و رسیدگی بدان از توان یک نفر خارج است و این همه اهمیت دارد باید بگوییم که این امر به نقش و تأثیر شدید مطبوعات در افکار عمومی و نیز گستردگی و شمول اخبار و مطالب منتشر شده به وسیله مطبوعات در میان جامعه و کتبی و مستند بودن گزارشها ارتباط می‌یابد. به عبارت دیگر ماهیت جرایم سیاسی و مطبوعاتی به گونه‌ای است که برآثر آنها جامعه به صورت مستقیم و بیش از سایر جرایم در معرض زیان و تجاوز قرار می‌گیرد. در واقع زمانی که جرم به وسیله روزنامه یا مجله تحقق می‌یابد دامنه اقدام مجرمانه از گستردگی و وسعت بیشتری برخوردار است و سطوح پهنای و مختلفتی از جامعه را مورد تهاجم و صدمه قرار می‌دهد؛ همچنین اگر توجه کنیم که جرم مطبوعاتی علاوه بر گستردگی و شمول، به صورت یک سند تاریخی و مکتوب باقی می‌ماند و همواره علیه شخص و حتی اخلاص در هر زمان و هر مکان قابل استناد است، عظمت و اهمیت آن بیشتر آشکار می‌گردد.

البته باید گفت که تعریف عملی جرم مطبوعاتی کاری دشوار و ابهام‌آمیز (امانه غیرممکن) است و از این رو اگر بخواهیم در مورد جرایم مطبوعاتی کشور به تشخیص درست برسیم چاره‌ای نداریم جز اینکه در حد توان و امکان به کنه حقایق و واقعیتها دست یابیم. و با توجه به اینکه جرایم مطبوعاتی در قانون مطبوعات به صورت دقیق و عملی تعریف نشده‌اند لذا برای درک نسبی واقعیتها و حقایق و رسیدن به تشخیص درست و سپس صدور حکم مناسب باید اختیار تشخیص جرم



حضور هیأت منصفه در محاکمات مطبوعاتی ذکر شده است و نهایتاً در قانون مطبوعات فعلی، مصوب اسفندماه ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی، نیز حضور هیأت منصفه در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی (طبق ماده ۳۴) ضروری تشخیص داده شده است.

## ۲.۲. دلایل و اهداف تشکیل هیأت منصفه

عنوان هیأت منصفه با توجه به اصطلاح حقوقی «انصاف» گویای فلسفه تأسیس و تشکیل این نهاد حقوقی است. کلمه انصاف را «احساس مبهمی از عدالت» تعریف کرده‌اند که در مقام اجرای قواعد حقوقی در اشخاص پدید می‌آید. در واقع انصاف، وسیله تعدیل و متناسب کردن قواعد حقوقی خشک و بی‌روح است. تعلق خاطر شدید دادرسان به ظواهر و الفاظ قانون و وابستگی شدید آنان به اصول حقوقی و قانونی سبب می‌شوند که نزد آنان وجدان جامعه و نیازهای آن کمتر در مدنظر باشند. گاهی اجرای خشک و بی‌روح عبارات قانونی ممکن است با آرا و نظرات جامعه هماهنگ نباشد، لذا باید به افراد و گروهها حق داد که در صورت لزوم و اقتضا از انکار عمومی وجدان جمعی - که اعضای هیأت منصفه نماینده‌اند - کمک گرفته شوند. از سوی دیگر

مطبوعاتی را به حیاتی و اگذار کرد تا هدف قانونگذار تأمین گردد. در واقع باید گفت که هیأت منصفه یک تأسیس حقوقی اجتماعی و مردمی ثبیراً از جاه طلبی و بلندپروازی است. و با اینکه احتمال دارد که دستخوش هیجان شود معذک از سختی قانون و خشکی عدالت قانونی می‌کاهد و حکم انصاف را برای تعدیل مقررات به کار می‌گیرد. هیأت منصفه می‌تواند همچون یک شمشیر دودم عمل کند که از یک طرف مانع تسلط و هجوم مراکز قدرت بر حقوق مطبوعات، هنرمندان، نویسندگان و خبرنگاران گردد و از طرف دیگر وظیفه صیانت از حقوق افراد و آحاد ملت را در برابر مطبوعات و مؤسسات فرهنگی برعهده گیرد. دلایل تشکیل هیأت منصفه را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. اهمیت مسائل سیاسی و مطبوعاتی؛
۲. مهم بودن نقش مطبوعات در تنویر و یا تحریف افکار عمومی؛ و گسترده بودن پهنه عمل مطبوعات؛
۳. تأثیرگذاری شدید جرایم مطبوعاتی (نظیر توهین و یا افتراء به اشخاص حقیقی و حقوقی، و...) بر افکار عمومی جامعه؛
۴. اهمیت و ظرافت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی؛
۵. خارج بودن تشخیص موارد جرم مطبوعاتی از عهده یک فرد (به علت اثرات سوء احتمالی آن)؛
۶. ضرورت حضور وجود هیأتی که صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را داشته باشد؛
۷. تشکیل و تأسیس هیأت منصفه.

می‌توان گفت که قانونگذاران از تشکیل هیأت منصفه کمابیش اهداف زیر را در نظر داشته‌اند:

۱. احترام به افکار عمومی؛
۲. حفظ آزادیهای معقول و مشروع برای مطبوعات؛
۳. جلوگیری از برخورد خشونت‌آمیز دستگاه قضایی با مطبوعات؛
۴. جلوگیری از اعمال نفوذ دستگاههای اجرایی و مقتنه در کار دستگاه قضایی و فشار به مطبوعات؛
۵. جلوگیری از رخنه ارتشاء و فساد در کار

قوه قضایی در امر حساس رسیدگی به جرایم مطبوعاتی.

باید افزود که حضور افرادی از میان گروههای مختلف جامعه به عنوان هیأت منصفه - در صورت انتخاب صحیح و دارا بودن صلاحیت کامل مذهبی، حقوقی، علمی، فرهنگی، ... - و اظهار نظر آنان، قاضی را در تصمیم‌گیری صحیح کمک و ارشاد می‌نماید و همچنین موضوع او را در اتخاذ تصمیم و تبیین جرم و تعیین مجازات تقویت می‌کند خصوصاً زمانی که حکم قاضی علیه منافع صاحبان قدرت و گروههای ذی نفوذ باشد.

### ۳.۲. پشتوانه نظری هیأت منصفه

ظاهراً پشتوانه نظری این هیأت، توصیه متون مذهبی مبنی بر استحباب حضور عده‌ای از علمای واجد شرایط در کنار قاضی برای نظارت، مشاوره و کمک به او است. در تاریخ فقه و حقوق اسلامی و در رویه قضایی و آیین دادرسی به مواردی برمی‌خوریم که حضور فقها و دانشمندان را در جلسه دادرسی نه به عنوان کارشناس بلکه در مقام صاحب نظرانی که مانع خطای قاضی می‌شوند، نشان می‌دهند. در واقع هیأت منصفه از یک طرف ریشه در فقه اسلامی دارد و از سوی دیگر یک پدیده حقوقی مرقی است زیرا که اگر عده‌ای به اسم هیأت منصفه حضور داشته باشند و در قضاوت نظارت و کمک کنند به نفع ملت و جامعه خواهد بود، یعنی هم مصلحت اجتماعی دارد

و کمک به احیای عدل می‌نماید و هم موافق موازین اسلامی است.

### ۳. پیشنهادها

برای اجرای دقیق قواعد حقوقی و قانونی و نیز تسریع روند اجرای قانون مطبوعات، جرح و تعدیل برخی از مواد مندرج در قانون ضروری می‌نماید که در این زمینه پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شوند:

الف) تعریف دقیق واژه‌ها و مفاهیم به کار رفته در قانون به منظور رفع ابهامات و جلوگیری از اعمال نظرهای شخصی؛

ب) تدوین موادی که به طور دقیق و صریح طریقه انتخاب، شرایط و اختیارات هیأت منصفه را در مرکز کشور و مراکز استانها مشخص نمایند؛

ج) پیش‌بینی سواد و یا تبصره‌هایی که در بردارنده ضمانتهای اجرایی مؤثر و عملی برای جلوگیری از نقض قانون به وسیله افراد یا سازمانهای ذی نفوذ باشند؛

د) تدوین مواد قانونی در جهت احقاق حقوق دست‌اندرکاران مطبوعات (اعم از مسؤولان و سردبیران، خبرنگاران، موزعان و...)

ه) تدوین مواد قانونی جهت تسهیل گرفتن مجوز انتشار نشریه؛

و) بازنگری کلی قانون مطبوعات با توجه به روند تحولات اجتماعی، میاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، حقوقی،... در سطح جهانی و ملی، و منطبق نمودن آن با تحولات مذکور.

موارد ششگانه فوق، پیشنهادهایی کلی هستند که می‌توانند در اصلاح و بازنگری قانون مطبوعات مورد توجه قرار گیرند. البته، در جزئیات مواد قانون مطبوعات نیز جرح و تعدیلهایی ضروری است که برخی از آنها را مدیر مسؤول روزنامه کیهان ضمن یک سخنرانی مطرح کرده است و برای مزید اطلاع در اینجا نقل می‌شوند:

۱. لازم است که در ماده اول در فصل تعریف مطبوعات عنوان «طنز و سرگرمی سالم» به عناوین خبری، اجتماعی، سیاسی،



■ طبق قانون اساسی، قانون [مطبوعات] باید شرایط، نحوه انتخاب و اختیارات هیأت منصفه را مشخص کند که این امر صورت نگرفته است و اکنون به مواد ۳۰ تا ۳۸ قانون مطبوعات سال ۵۸ مصوب شورای انقلاب استناد می‌شود.

■ وجود واژه «انتقادی» در ماده اول (فصل تعریف مطبوعات) وجهی ندارد، زیرا انتقادی بودن تقریباً جزء رسالت عموم مطبوعات و نشریات است.



نشریه از رسالت و حدود مطبوعات، هیأت نظارت رأساً یا به درخواست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی موارد تخلف را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و در صورت لزوم تقاضای کتبی خود را جهت لغو پروانه نشریه مزبور به دادگاه صالح تقدیم می‌کند.

۷. ذکر کلمه «انتقاد» در ماده ۲۳ در فصل جرایم مطبوعاتی، متناقض با رسالت حقوق مطبوعات و صریح ماده ۳ همین قانون است. لذا پیشنهاد می‌شود که با حذف این کلمه از ماده ۲۳، این تبصره در ذیل همین ماده اضافه شود:

تبصره: در صورت انتقاد یک نشریه از اشخاص حقیقی و حقوقی، شخص موردانتقاد حق دارد، توضیح یا پاسخ خود را ظرف یک‌ماه کتبی برای همان نشریه ارسال نماید. نشریه مزبور موظف است متن پاسخ را بدون کم و کاست در یکی از دو شماره نشریه پس از وصول پاسخ، در همان صفحه و ستون و با حروف اصل مطلب، به چاپ برساند مشروط برآنکه پاسخ از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افتراء نباشد. تغییر در پاسخ در حکم عدم درج است.

۸. به جای تبصره ذیل ماده ۲۷ پیشنهاد می‌شود که تبصره زیر در ذیل ماده ۲۸ اضافه گردد:

تبصره: رسیدگی به جرایم موضوع مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست و علاوه بر مدعی‌العموم، هریک از آحاد جامعه می‌تواند شکایت خود را تقدیم دادسرا

ماده ۷. هرگونه تعرض به خبرنگاران و ممانعت از کسب و تهیه خبر به وسیله آنان، ممنوع بوده و در صورت شکایت خبرنگار و نشریه متبوع وی، پیگرد قضایی خواهد داشت. تبصره: ماده فوق شامل مواردی که خبرنگاری در صدد کسب و انتشار اخبار و مطالب ممنوع مذکور در این قانون برآید، نمی‌شود و محاکم صالح قضایی سی‌توانند متخلف را تحت تعقیب قرار دهند.

۵. تبصره زیر، به پنج تبصره مندرج در ذیل ماده ۹ (فصل «شرایط متقاضی») اضافه شود:

تبصره ۶: افرادی که در داخل یا خارج کشور در مخالفت با فتوای تاریخی امام خمینی از سلمان‌رشدی مرتد حمایت کرده‌اند و نیز افرادی که با نشریات ضدانقلابی خارج از کشور همکاری داشته‌اند، از انتشار نشریه محروم هستند و درج هرگونه مقاله و مطلب از آنان در نشریات و مطبوعات کشور ممنوع است. در صورتی که نشریه‌ای اقدام به درج مقاله و مطلب از افراد مزبور و یا له آنان نماید، هیأت نظارت بر مطبوعات، به مدیر مسؤل نشریه تذکر می‌دهد و چنانچه همان مورد یا مورد مشابه آن تکرار شود، هیأت نظارت مدیر مسؤل متخلف را کتبی به دادگاه جهت لغو پروانه نشریه معرفی خواهد نمود.

۵. در ذیل ماده ۱۰ یکی از اساتید حوزه علمیه، به انتخاب جامعه مدرسین و مدیریت حوزه علمیه قم به اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات اضافه شود.

۶. ماده ۱۲ به صورت زیر تغییر یابد:  
ماده ۱۲. در صورت تخلف مکرر یک

اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری و ورزشی اضافه شود تا ماده مزبور نسبت به نشریات فکاهی و سرگرمی نیز شمول پیدا کند. ضمن آنکه ذکر عنوان «انتقادی» در ردیف عناوین یادشده، وجهی ندارد زیرا که انتقادی بودن تقریباً جزء رسالت عموم مطبوعات و نشریات است و خود عنوان خاصی برای زمینه فعالیت یک نشریه یا چند نشریه نیست.

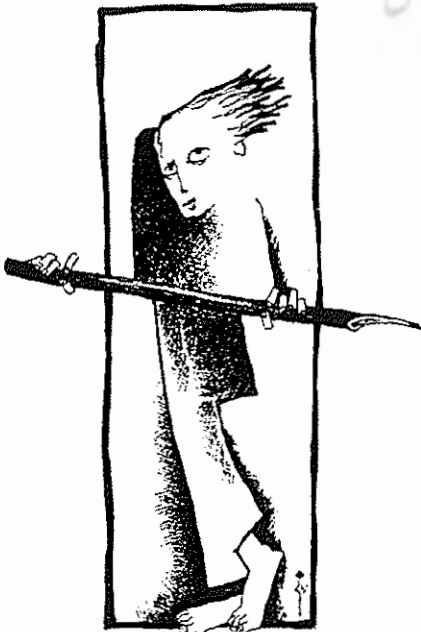
۲. بند الف از ماده ۲ (فصل «رسالت مطبوعات») به شرح زیر تغییر پیدا کند:

الف: اصلی‌ترین رسالت مطبوعات عبارت است از: اطلاع‌دهی و خبررسانی، آموزش در زمینه‌های گوناگون مورد اشاره در ماده ۱ و انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر (نظارت عمومی) با استفاده از شیوه‌های مؤثر مطبوعاتی.

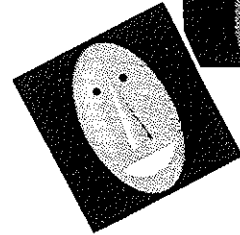
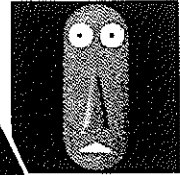
۳. به انتهای ماده پنج، این عبارت اضافه شود: و مقامات و نهادها و سازمانهای دولتی و عمومی موظف به ارائه اطلاعات و اخبار صحیح در مورد وظایف و عملکرد خود به مطبوعات هستند.

۴. در ماده و دو تبصره زیر به مواد حقوق مطبوعات اضافه شود: ماده ۶- مطبوعات ملزم به افشای منابع خبری و اطلاعاتی خود به هیچ مقام و ارگان دولتی و غیردولتی نیستند.

تبصره: در صورت ارتکاب جرایم مذکور در مواد ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۹ این قانون، مطبوعات موظف به افشای منابع خبری و اطلاعاتی خود به مقامات صالح قضایی به عنوان معاونت در جرم هستند.



**ماده ۵، کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی را حق قانونی مطبوعات دانسته، اما درباره افراد یا سازمانهایی که برای استفاده از این حق مانع ایجاد کنند، سکوت کرده است.**



نماید و دادسرا موظف به رسیدگی است.  
۹. ماده زیر پس از ماده ۲۹ اضافه شود.

ماده ۳۰: به جز موارد مذکور در مواد ۲۴، ۲۹ این قانون و نیز افشای اسرار شخصی، هیچ خبر و مطلبی محرمانه تلقی نمی‌شود و مطبوعات در درج آن به شرط عاری بودن از دیگر جرایم مطبوعاتی مندرج در این قانون آزادند.

۱۰. پیشنهاد می‌شود که تبصره زیر به ماده ۳۰ اضافه می‌شود:

تبصره: هرگاه معلوم گردد که خبرنگار یا نویسنده و یا منبع خبر و مطلب، در ایراد تهمت یا افتراء مقصر بوده‌اند و موجب اغوای نشریه شده‌اند، آنان نیز در صورت شکایت مدیر مسؤول برای مجازات به محاکم قضایی معرفی خواهند شد.

۱۱. بعد از ماده ۳۴ مواد زیر در مورد هیأت منصفه اضافه گردد:

ماده ۳۵: انتخاب اعضای هیأت منصفه به طریق ذیل خواهد بود:

هر دو سال یک بار در مهرماه جهت تعیین اعضای هیأت منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، هیأتی با حضور وی و رییس دادگستری استان تهران و رییس شورای شهر (و در صورتی که رییس شورای شهر نباشد، شهردار)؛ و در مراکز استانها به دعوت استاندار هیأتی مرکب از رییس شورای شهر (و در صورتی که شورای شهر نباشد، شهردار)، رییس دادگستری استان و مدیرکل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود. هیأت مذکور مجموعاً ۱۴ نفر از افراد مورد

اعتماد عمومی را از بین گروههای مختلف اجتماع (روحانیون، اساتید دانشگاهها، پزشکان، روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران آموزش و پرورش، اصناف و کارگران و...) ۷ نفر اصلی و ۷ نفر علی‌البدل انتخاب می‌کند و پس از انتخاب در تهران، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و در مراکز استان، استاندار، صورت اعضای هیأت منصفه را برای رؤسای کل دادگستریهای استان ارسال می‌دارد.

تبصره: به جرایم ارتكابی توسط مطبوعات شهرستانها در دادگاه صالح با حضور هیأت منصفه استان رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۶- اعضای هیأت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

- داشتن حداقل ۲۵ سال سن؛

- عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر؛

- اشتغال به امانت، صداقت و حسن

شهرت؛

- اعتقاد به مبانی دینی و ارزشهای انقلاب اسلامی.

ماده ۳۷. در هر محاکمه مطبوعاتی دادگاه کیفری یا حضور دادستان یا نماینده وی از ۱۴ نفر اعضای هیأت منصفه دعوت می‌کند که در جلسه محاکمه حضور بهم رسانند. دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیأت منصفه رسمیت خواهد داشت و آرای اکثریت اعضای حاضر به عنوان رأی هیأت منصفه تلقی خواهد شد. اعضای هیأت منصفه موظفند که در جلسه دادگاه تا ختم جلسه حضور داشته باشند.

ماده ۳۸. هر یک از اعضای هیأت منصفه چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکم حاضر نشود و یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند، به حکم دادگاهی که نسبت به موضوع رسیدگی می‌کند، به دو سال محرومیت از عضویت در هیأت منصفه محکوم می‌شود.

ماده ۳۹. موارد رد و سلب صلاحیت اعضای هیأت منصفه همان است که طبق قانون در مورد قضاوت پیش‌بینی شده‌اند.

ماده ۴۰. هرگاه در حین محاکمه، اعضای هیأت منصفه سؤالاتی داشته باشند می‌توانند با هماهنگی رییس دادگاه، سؤال خود را کتباً یا شفاهاً مطرح کنند.

ماده ۴۱. برای رسیدگی به جرایم مندرج در این قانون دادگاه کیفری با حضور هیأت منصفه تشکیل می‌شود و مطابق مقررات عمومی رسیدگی می‌کند و پس از اعلام ختم دادرسی،

بلافاصله اعضای هیأت منصفه به شور پرداخته و درباره دو موضوع زیر:

الف) آیا متهم بزهکار است؟

ب) در صورت بزهکار بودن آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ تصمیم می‌گیرند و رأی اکثریت هیأت منصفه را کتباً به دادگاه اعلام می‌نمایند و سپس دادگاه براساس رأی مزبور رأی صادر می‌کند. در صورتی که رأی هیأت منصفه بر بزهکاری باشد تطبیق عمل انتسابی با قانون و تعیین میزان مجازات و تصمیم‌گیری درباره سایر جهات قانونی اتهام با دادگاه می‌باشد.

ماده ۴۲. هرگاه حکم دادگاه مبنی بر براءت و یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه در صورتی که فعلاً توقیف شده باشد، بی‌درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد بلا مانع است.<sup>۲</sup>

حاشیه:

۱. (مجموعه قوانین و مقررات مطبوعاتی)، حمید مقدم‌نر، مراغه: اوجدی، ۱۳۶۹، ۲۲۴ ص.

۲. قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات داخلی، ۱۳۶۹، ۱۶ ص.

۳. نظرخواهی‌های روزنامه اطلاعات از صاحب نظران و مدیران مطبوعات به این شرح است:

- نظر آقای مرتضی نبوی، مدیر مسؤول روزنامه رسالت، اطلاعات، ش ۲۰۰۳۸ (۱ آبان ۱۳۷۲): ۲.

- نظر آقای غفور گرشاسی، مدیر مسؤول وقت روزنامه ابرار، اطلاعات، ش ۲۰۰۳۹ (۲ آبان ۱۳۷۲): ۲.

- نظر آقای مهدی نصیری، مدیر مسؤول وقت روزنامه کیهان، اطلاعات، ش ۲۰۰۴۰ (۳ آبان ۱۳۷۲): ۲.

- نظر آقای کیومرث صابری، مدیر مسؤول هفته‌نامه گل آله، اطلاعات، ش ۲۰۰۴۱ (۴ آبان ۱۳۷۲): ۲.

- نظر آقای سیدمحمد صفری، مدیر وقت مؤسسه کیهان، اطلاعات، ش ۲۰۰۴۲ (۵ آبان ۱۳۷۲): ۲.

- نظر آقای محمدتقی علی‌حسینی، مدیر مسؤول وقت روزنامه کار و کارگر، اطلاعات، ش ۲۰۰۴۳ (۶ آبان ۱۳۷۲): ۲.

- نظر آقای سیدجلال فیاضی، مدیر مسؤول روزنامه قدس، اطلاعات، ش ۲۰۰۴۷ (۱۱ آبان ۱۳۷۲): ۲.

۴. این گزارش به سفارش حوزه معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه شده است. ■